

الثالث: التأكيد و هو تابع يفيد تقرير متبوعه او (عطف به تقرير) شمول الحكم لأفراده [و اجزائه هم میگفت بهتر بود!] و هو اما لفظي و هو اللفظ المكرر او معنوي و الفاظه النفس و العين و يُطابقان المؤكّد (متبوع) في غير التثنيه و هما فيها (تثنيه) كالجمع (فقط در صيغه خود نفس و عين و نه در ضمائر) تقول جئت زيدا نفسه و الزيدان انفسهما و الزيدون انفسهم و كلا و كلتا لمثني (المثني كه معرفه است بهتر است) و كل و جميع و عامه لغيره (مثني) من ذى اجزاء يصح افتراقها و لو حكما نحو اشترت العبد كله و يتصل بضمير مطابق للمؤكد (۱) و قد يتبع (تابع آورده ميشود) كل باجمع و أخواته.

مسئلتان: لا يؤكد النكرة الا مع الفائده و من ثم امتنع رايت رجلاً نفسه و جاز اشترت عبدا كله و اذا اكّد المرفوع المتصل بارزا او مستترا بالنفس و العين فبعد (متعلق به اكّد محذوف) المنفصل نحو قوموا اتم انفسكم و قم انت نفسك.

(۱) اين قيد برای كل و جميع و عامه است البته ميتوان به التأكيد معنوی هم زد.

تعريف تأكيد:

تابعی است که به دو منظور استعمال ميشود:

۱. برای تقرير و تأكيد و تثبيت متبوعش

■ جاء زيدٌ زيدٌ

در اين مثال ممكن است برای مخاطب اين توهم ايجاد شود که خود زيد نيامده است زیرا مثلا زيد انسان بسيار مهمی است يا احتمال آمدنش بسيار کم است که با تأكيد اين توهم بر طرف ميشود.

۲. برای فهماندن شمول حکم بر تمام افراد يا اجزای متبوعش استعمال ميشود.

■ سجد الملائكة كلهم

در اين مثال شمول حکم برای افراد متبوع است که كل تأكيد برای ملائکه

است و توهمی که در این مورد ممکن است برای مخاطب ایجاد شود این است که ممکن است همه سجده نکرده باشند که با قید کلمه به این معناست که واقعا همه سجده کرده اند و به عبارت دیگر دفع توهم عدم شمول میشود.

- اكلت السمكة كُلَّهُ (تمام یک ماهی را خوردم)
در این مثال شمول حکم برای اجزاء متبوع است.

تأکید نکره در صورتی جایز است که مفید فایده ای باشد. لذا جمله رأیت رجلاً نفسَه غلط است ولی جمله اشتریتُ عبداً كُلَّهُ صحیح است.

اگر بخواهیم ضمیر متصل مرفوعی را به سبب نفس و عین تأکید کنیم ابتدا باید آن را به سبب ضمیر منفصل مرفوعی تأکید کنیم.

- ضربتَ انتَ نفسُک

تاء در ضربتَ را تأکید کرده ایم که هم انت تأکید است و هم نفس که اختلاف است بین اینکه انت تأکید معنوی است یا لفظی که البته ثمره ای هم ندارد.